گفت‌وگو

در گفت‌وگو با دکتر موسی حقانی درباره هویت ملی و سابقه تمدنی ایران عنوان شد

پیوند «ایران» و «تشیع» علت ایستادگی تاریخی ملت ایران

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا در سومین پیام تلویزیونی در پی تهاجم رژیم صهیونی با تبریک به ملت بزرگ ایران برای پیروزی در این نبرد تأکید کردند: «رژیم صهیونی با آن همه هیاهو، با آن همه ادعا، در زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا درآمد و له شد. فکر اینکه چنین ضرباتی از سوی جمهوری اسلامی ممکن است بر رژیم وارد بشود، در ذهن آنها و مخیله آنها خطور نمی‌کرد و اتفاق افتاد.» به همین منظور، بخش «درس و عبرت تاریخ» رسانه KHAMENEI.IR در گفت‌وگوی تفصیلی با دکتر موسی حقانی، رئیس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر به بررسی کنش تاریخی ایرانیان در برابر بحران‌ها پرداخته است.

khamenei.ir

در جنگ ۱۲روزه با اسرائیل، یک اتفاق مهم افتاد و آن انسجام ملی بود که بر محور ایران شکل گرفت. این هویت ملی ایرانیان چه ویژگی‌هایی دارد که وقتی یک دشمن خارجی به این کشور حمله می‌کند، ما این‌قدر زود باهم متحد می‌شویم و در مقابل دشمنان مقاومت می‌کنیم؟

ما یک ملتیم، شاید بشود گفت که آن نقطه قوت ما در همین ملت بودن‌مان است. شما در خیلی از این کشورهای بزرگ یا کوچک منطقه این پدیده را نمی‌بینید. «ملت» به این معنی که یک بخشی از جامعه انسانی در یک جا سکونت داشته باشند، سرزمین داشته باشند و از جهت جمعیت هم جمعیت قابل توجهی داشته باشند یا اینکه آرمان‌های مشترک داشته باشند، زبان مشترک داشته باشند، دین مشترک داشته باشند. این مؤلفه‌ها در ملت ایران وجود دارد و از همه مهم‌تر این است که اگر بخواهیم به همان مؤلفه اول بپردازیم، می‌بینیم که این ملت ۷هزار سال در این سرزمین زندگی کرده‌اند! این، یک ظرفیت‌ها و یک ویژگی‌هایی به این ملت داده، مضافاً اینکه این ۷هزار سال زندگی یک زندگی آرامی نبوده است. این منطقه، از لحاظ ژئوپلتیک و از جهت راهبردی، منطقه بسیار مهمی است. ما در قلب زمین واقع شده‌ایم و بسیاری از تحولات بزرگ دنیا و اساساً شکل‌گیری تمدن‌ها در این منطقه رخ داده که کشور ما یکی از نقاط کانونی شکل‌گیری تمدن بشری است. اولین نشانه‌های زندگی تمدنی بشر در این منطقه شکل گرفته و ایرانی‌ها در ساختن آن نقش اساسی و جدی دارند، همچنین این کشور نقشی اساسی در ساختن فرهنگ این منطقه دارد. الان اغلب اندیشمندان کشورهای منطقه- از ترکیه که تکیه بر سابقه امپراتوری عثمانی دارد تا بسیاری از کشورهای دیگر که برخی از جهت قدمت سابقه ندارند، برخی هم سابقه دارند- همه اعتراف دارند که ایرانی‌ها از همه جهت جزو سازندگان این منطقه هستند، از جهت فرهنگ و ساختار سیاسی و زبان و فرهنگ غذایی و سبک زندگی. این ملت بودن، قدمت حضور ما در این منطقه و نقش‌آفرینی ما در ساختن این منطقه و دست‌وپنجه نرم کردن با حوادثی که ملت ایران در این چند هزار سال با آن روبه‌رو بوده، باعث شده است به این اصل مهم پی ببرد که اگر پای سرزمین و آرمان‌های خودش نایستد، از سوی دشمنانش در این منطقه مهم و حساس از بین خواهد رفت، بنابراین ما در مقاطع مختلف می‌بینیم که وقتی ایران مورد هجوم قرار می‌گیرد، مردم ما پای دفاع از کشورشان می‌ایستند و صحنه را خالی نمی‌کنند. از جهت فرهنگی، ما ایرانی‌ها حتی از قبل از اسلام یک آرمان مشترک حول توحید داشتیم و آن آرمان مشترک ما عدالت بود، به همین جهت، ایرانی‌ها همواره به دنبال عدالت بودند و سعی داشتند به این گوهر دسترسی پیدا کنند. اینکه ایرانی‌ها اسلام را با آغوش باز پذیرفتند، یکی از دلایلش همان ندای عدالت‌بخش و عدالت‌آفرین اسلام بود که ایرانی‌ها به آن پاسخ دادند و به سلام اسلام پاسخ مثبت دادند. بعد از صفویه، اتفاق مهمی رخ داد که دلیل اصلی تاب‌آوری و ایستادگی ایران در ۵۰۰سال اخیر است: اتحاد دیانت و سیاست در قالب اتحاد ایرانیت و تشیع. با روی کار آمدن صفویه و رسمیت یافتن تشیع در ایران رابطه‌ای بین ایرانیت- یعنی سرزمینی که در آن زندگی می‌کنیم- با آن ظرفیت تمدنی و تشیع که از قرون دوم و سوم در ایران ریشه دوانده بود، شکل گرفت. در دولت صفوی، این رابطه به تحول جدیدی درمسیر تکامل هویت ملی منجر شد؛ ایرانی‌ها به اصیل‌ترین لایه اسلام، یعنی رکن «عدالت» و «ولایت»، رجوع کردند؛ «ولایت» به معنای پذیرش سرپرستی معصوم یا کسی که از سوی معصوم اذن دارد. این تحول جدی در ایران به وجود آمد و تداوم تاریخی ملت را در قالب اتحاد دیانت و سیاست و احیای هویت ملی ایران تثبیت کرد، بنابراین رابطه‌ای ایجاد شد که ما از آن به‌عنوان رابطه «ظرف و مظروف» یاد می‌کنیم، ایران شد ظرف و مظروف آن شد تشیع. رابطه ناگسستنی ظرف و مظروف یا ایران و تشیع در طول چند قرن به‌قدری درهم تنیده شد که آسیب واردشدن به هرکدام از این ظرفیت‌ها به نابودی دیگری منجر می‌شد.

اشاره داشتید به این موضوع که در مقاطعی از تاریخ، حاکمیت در مقابله با هجوم دشمنان کم آورده بود، ولی مردم ایستادگی کردند. من این را می‌خواهم ادامه دهم و ربط بدهم به رهبری امام خمینی و حضرت آقا در چند سال گذشته. لطفاً چند مورد تاریخی را ذکر کنید که مردم ایستادند ولی به خاطر ضعف یا نبود قدرت حاکمیت، شکست خوردیم، همچنین بفرمایید که در طول این ۴۰سال، امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای چه کار کردند که توانستیم تمامیت ارضی‌مان را حفظ کنیم؟

این رابطه ظرف و مظروف که در ایران بین ملیت ما و تشیع شکل گرفته، رمز ماندگاری ایران در ۵۰۰سال اخیر و به‌ویژه در ۲۰۰سال اخیر است. به رغم اینکه شاهد حاکمیت‌هایی بودیم که یا توان ایستادگی در برابر بیگانگان را نداشتند یا مثل پهلوی‌ها اساساً دست‌نشانده آنها بودند، اما مردم در دفاع از کشور و ایستادگی در برابر تهاجمات مختلف- که فقط نظامی نبود بلکه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هم بود- مقاومت کردند.

این مقاومت به پیوند ایرانیت و تشیع و آن رابطه ظرف و مظروف برمی‌گردد. ایرانی‌ها فهمیدند که اگر ایران تضعیف شود، تشیع و اسلام هم تضعیف خواهد شد. ما این را فقط از منظر فرقه‌ای و مذهبی نگاه نمی‌کنیم، بلکه بخشی از جهان اسلام هستیم و رسالت خودمان می‌دانیم که از آموزه‌هایی که از سوی خداوند، پیامبر گرامی(ص) و ائمه معصومین(ع) برای هرمسلمانی تکلیف آوراست، از سرزمین‌های اسلامی و مستضعفان حمایت کنیم و در مقابل ظلم دشمنان اسلام بایستیم. این موضوع فراتر از مؤلفه‌های صرفاً مذهبی است. برای همین، برادران اهل‌سنت ما هم در این سرزمین دو انگیزه برای دفاع دارند: یکی اینکه این سرزمین مال آنهاست و هزاران سال در آن زندگی کرده‌اند و دوم اینکه محبت اهل‌بیت(ع) در میان برادران اهل‌سنت هم وجود دارد که باعث انسجام بیشتر این ظرف و مظروف شده است، حتی اقلیت‌های دینی مثل کلیمی‌ها و ارمنی‌ها هم این فضا را درک کرده‌اند، آنها هم این پیوستگی ایرانیت و تشیع و نقش آن در حفظ ایران را ملموس می‌دانند. مثلاً در ایام عزای سیدالشهدا(ع) یا امیرالمؤمنین(ع) اقلیت‌ها هم احترام می‌گذارند، نذری می‌دهند و در راهپیمایی اربعین شرکت می‌کنند. این رفتار از یک ملت بافرهنگ و دارای یک تمدن بلند حاصل می‌شود، در کشورهای دیگر چنین رفتاری کمتر دیده می‌شود. با توجه به سابقه تمدنی و ظرفیت آموزه‌های مکتب اهل‌بیت(ع) و تجربه دوران صفوی و دوران پس از انقلاب اسلامی می‌توان نتیجه گرفت قدرت ایران فقط با تداوم و تقویت پیوند بین ایرانیت و تشیع احیا می‌شود و ایران می‌تواند به سمت ایجاد تمدن نوین اسلامی حرکت کند. بازگشت به دوران قبل از اسلام، بدون توجه به تجربه گرانبهای بعد از اسلام که متعلق به مردم ایران است- همان‌طور که تجربه قبل از اسلام هم متعلق به این ملت متمدن است- امکانپذیر نیست و اینها از هم جداشدنی نیستند، منتها متأسفانه جریان باستان‌گرا و جریان نژادپرست که در دوره قاجار شکل گرفت و از سوی روشنفکران ضددینی آن دوره گسترش یافت و در دوره پهلوی در قالب یک حکومت ادامه پیدا کرد، این ظرفیت را کاملاً نادیده گرفت، یعنی اینها تلاش کردند ۱۳۰۰-۱۲۰۰سال ظرفیتی را که اسلام به این کشور داده و مردم ما با تمام تار و پودشان به آن پیوند خورده‌اند، از این ملت سلب و به‌جای آن به یک باستان‌گرایی موهوم و تقطیع‌شده‌ای از ۷هزار سال سابقه تمدنی ایران تمسک کنند تا بتوانند اساساً پایه‌ای برای مشروعیت خودشان ایجاد کنند! خب، این هم در دوره پهلوی با شکست مواجه شد. ما در جنگ‌هایی که با روسیه داشتیم، وقتی قرار شد غرامت بدهیم، دولت توان پرداخت غرامت را نداشت و این بانوان ایرانی بودند که برای صیانت از کشورشان آمدند جواهرآلات خودشان را تقدیم کردند. خب آن موقع دوربین نبود که عکس گرفته شود یا فیلم برداشته شود، ولی نقاش‌ها این صحنه را به تصویر کشیدند. هیئت روسی آن طرف ایستاده، هیئت ایرانی عباس‌میرزا این طرف ایستاده و یک تپه‌ای از طلا و جواهرات بانوان ایرانی در این وسط خودنمایی می‌کند! این، راز و رمز ایستایی و پایداری ایرانی‌هاست.

شبیه همین اتفاقی است که اخیراً در پویش «ایران همدل» برای کمک به مردم غزه و لبنان داشتیم.

بله، در دفاع از غزه، ملت ایران در آن رشد و تکامل تمدنی خودشان هر روز یک صحنه جدیدی خلق می‌کنند، هر روز یک اتفاق جدیدی رخ می‌دهد. اینکه ما یک زمان برای دفاع از سرزمین‌مان این کار را می‌کنیم و اینکه یک زمان برای دفاع از مظلومان در غزه این کار را می‌کنیم، رشد این ملت را نشان می‌دهد و این سیر تکاملی‌ای است که این ملت به واسطه آن سابقه تمدنی‌اش، به واسطه اسلام، به واسطه معارف عالی اهل‌بیت(ع) پیدا کرده و همچنان ادامه می‌دهد، بنابراین اگر قرار بشود جان بدهند، جان‌شان را می‌دهند، اگر قرار بشود مال بدهند، مال‌شان را می‌دهند، اگر قرار بشود با تمام وجودشان بیایند در صحنه و در مقابل دشمن بایستند و دشمن را عقب برانند، این مردم شرکت می‌کنند. ما در سال ۱۳۵۷ با پدیده‌ای مواجه می‌شویم به نام «انقلاب اسلامی»، یعنی بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب قرن بیستم. آموزه‌هایی که این انقلاب را شکل داد، دقیقاً آموزه‌های ملی و دینی بود. شما اگر سخنرانی‌های حضرت امام در ۱۳خرداد ۱۳۴۲ و چهارم آبان را نگاه کنید، می‌بینید که ناسیونالیست‌ترین افراد هم آن‌قدر که امام برای ایران حرص‌وجوش می‌زد، این‌گونه نبودند. امام در سخنرانی علیه کاپیتولاسیون می‌گوید، قلب من در فشار است! واقعاً قلب امام در فشار بود. امام می‌گوید، استقلال ایران را فروختند، شرف ما را فروختند و به نظامی‌های ما می‌گوید، آبروی شما، استقلال شما، شرف شما لگدکوب چکمه‌های امریکایی‌ها شد. امام دغدغه استقلال ایران را دارد، با این منطق که ایران ظرفی است که مظروفش تشیع است و هر کدام از اینها آسیب ببینند، آن یکی هم آسیب می‌بیند. امام دغدغه نفوذ بیگانه در کشور را دارد. امام دغدغه کاپیتولاسیون را دارد که در واقع، امنیت مردم ایران را به‌رایگان به مزدوران امریکایی داده بود. به تعبیر حضرت امام، اگر یک گروهبان امریکایی پادشاه ایران را بکشد، قوه قضائیه ایران و دادگستری ایران نمی‌توانست او را محاکمه کند. یک ملت هویت خودش را با کاپیتولاسیون و حضور غارتگران امریکایی و صهیونیست داشت از دست می‌داد و به فروپاشی نزدیک می‌شد.

امام با آموزه‌های عاشورایی انقلاب کرد، چون قیام امام در محرم شروع شد و در ۱۲محرم، یعنی ۱۵خرداد ۱۳۴۲، آن اتفاق بزرگ رخ داد. در انقلاب اسلامی، گام اول تمام تلاش ملت این بود که هویت اسلامی- ایرانی خود را احیا کند. بلافاصله هم با فتنه گروهک‌های تجزیه‌طلب در کشور مواجه شد که آحاد ملت رفتند و دفاع کردند، سپس جنگ تحمیلی پیش آمد که این جنگ، جنگ عراق علیه ما نبود، بلکه جنگ بیش از ۵۷ کشور علیه ایران بود، از اعراب مرتجع منطقه گرفته تا بلوک شرق و غرب که هر دو پشت عراق و رژیم بعثی بودند. این ملت و فرزندانش با آموزه‌های شیعی و آرمان‌هایی که حضرت امام احیا کرده بود، دوباره ایستادند و برای دفاع از ایران جانفشانی کردند و با سابقه تمدنی مانند ایران را به زانو دربیاورد. اقتدار این ملت در چهره و پیام تاریخی مقام معظم رهبری تجلی پیدا کرد و ایشان با دادن اطمینان به مردم ایران، دایر بر مجازات متجاوزان و جایگزینی سریع فرماندهان نظامی و آغاز عملیات ایران علیه رژیم متجاوز صهیونیستی، اقتدار ایران اسلامی را به رخ دشمنان متوهم و تمام ناظران بین‌المللی و ملت‌های دنیا کشیدند.

یک نکته دیگر در اقدام شجاعانه و بموقع رهبر معظم انقلاب اسلامی در این اتفاق بزرگ و دفاع از کیان این سرزمین وجود داشت که قابل تمجید است. رهبری بدون ذره‌ای هراس از حمله دشمن، به‌سرعت رخنه ایجادشده در فرماندهی قوای نظامی را بازسازی کردند و با ایستادن شجاعانه در مقابل دشمن، طی یک پیام تصویری، بدون آنکه تحت تأثیر بهت ناشی از حمله دشمن قرار بگیرند، عزم فرزندان این سرزمین در دفاع از کشور و مردم و تنبیه متجاوز را اعلام کردند، این در حالی بود که دشمن، به‌ویژه رئیس‌جمهور متوهم و جنایتکار امریکا، گمان می‌کرد رهبر ایران پس از این حمله ترکیبی تسلیم خواسته‌های نامشروع آنها شده و مسیر برای انجام اقدامات بعدی آنها برای نابودی ایران هموار خواهد شد. در اینجا می‌خواهم یک مقایسه‌ای داشته باشم بین حمله ۲۳خرداد متفقین جدید به ایران با حمله متفقین در شهریور ۱۳۲۰ به کشورمان. وقتی متفقین در شهریور ۱۳۲۰ به ایران حمله کردند، ما یک ارتش داشتیم که رضاخان خیلی هم بابت آن ارتش فخر می‌فروخت و فکر می‌کرد کار مهمی انجام داده، اما به‌واسطه جُبن ذاتی رضاخان و ذلت او در برابر بیگانگان، کشور ما طی ۸۰ساعت، بدون اینکه جنگی بشود، اشغال شد و قوای متفقین وارد ایران شدند! یعنی روس‌ها از شمال، انگلیسی‌ها از جنوب- امریکایی‌ها هم همین‌طور- آمدند و پایتخت ما اشغال شد. انگلیسی‌ها بعداً گفتند ما فکر نمی‌کردیم با این سرعت و بدون درگیری جدی بتوانیم ایران را اشغال کنیم. روزنامه‌های امریکایی نیز در توصیف عملیات منجر به اشغال ایران به تمسخر و طنز نوشتند: «جنگ ۸۰ساعته»! جنگ هم نبود، فقط در موارد اندکی، نیروهای وطن‌پرست مسلح ایرانی در یکی‌دو جا به آن ترک مخاصمه‌ای که دولت اعلام کرده بود گوش ندادند، ایستادند و به شهادت رسیدند، ولی کشور طی ۸۰ساعت سقوط کرد. کسی که رهبری کشور را به عهده داشت، یعنی پادشاهی که به ایران قبل از اسلام فخر می‌کرد و ادعا داشت می‌خواهد ایران عصر هخامنشی را احیا کند، در همان اولین ساعات حرکت متفقین به سوی تهران، قصد فرار و خروج از کشور داشت! این در شرایطی بود که در زمان رضاشاه، همه فرماندهانش حضور داشتند و اتفاقی هم برای ارتشش نیفتاده بود، اما خودش می‌خواست فرار کند!

شما این را مقایسه کنید با اقدام مقتدرانه حضرت امام(ره) در مواجهه با هجوم ارتش بعثی عراق به ایران که خود می‌ایستد و مردم را پای کار نگه می‌دارد و دشمن را خوار و کوچک می‌کند در چشم مردم و زمینه دفاع مقدس هشت‌ساله را در تقابل با تهاجم بین‌المللی دشمنان ایران فراهم می‌کند. واقعاً دشمن بعثی و آن حامیان چندملیتی‌اش در مقابل مردم ما به حساب نمی‌آمدند و امام، به‌عنوان یک مردم‌شناس و جامعه‌شناس عمیق، این را درک کرد و به مردم گفت. مقام معظم رهبری هم دقیقاً همین نقش را در یک جنگ بسیار پیچیده‌تر و بزرگ‌تر ایفا کردند و به مردم گفتند که شما زندگی‌تان را بکنید، زندگی عادی خودتان را داشته باشید، او یک غلطی کرده، ما هم او را بیچاره خواهیم کرد، بنابراین به‌واسطه تدابیر مقام معظم رهبری و به‌واسطه هوشیاری و آمادگی‌ای که جامعه ایرانی داشت- اعم از نیروهای نظامی و مردم کف خیابان- در کمتر از هشت ساعت، فرماندهی کل قوا ضمن برگرداندن آرامش و اطمینان به مردم و جامعه و بازسازی سریع رخنه به‌وجودآمده به‌واسطه شهادت فرماندهان نظامی، برنامه‌ریزی گسترده دشمنان متوهم را خنثی و در عرض حدود ۱۲ساعت، با شلیک موشک‌ها و پهپادهای ایرانی، کلاً ورق را به نفع ملت ایران برگرداندند. رمز و راز شکست ۸۰ساعته و اشغال ایران در ماجرای شهریور ۱۳۲۰ - درحالی‌که همه فرماندهان رضاخان سالم بودند و اتفاقی هم برای ارتشش نیفتاده بود- و برگشتن اوضاع به نفع ملت ایران در ۲۳خرداد ۱۴۰۴ در عرض هشت ساعت را می‌توان در دو امر جست‌وجو کرد: حضور و ایستادگی رهبری شجاع و آگاه در خرداد ۱۴۰۴ و ایستادگی ملت ایران با تأسی به رهبر شجاع خود برای دفاع از ایران و نظامی که خود در تأسیس و بقای آن نقشی اساسی داشته و دارند، دو ستونی که ایران در عصر پهلوی از آن محروم بود: رهبر شجاع و نظام برخاسته از اراده مردم. آن اتفاقی که شب عاشورا در حسینیه امام خمینی رخ داد، اینکه حضرت آقا در جمع همه آن کسانی که بودند- بالاخره تقریباً سران سه قوه آنجا نشسته بودند و شخصیت‌های سیاسی و مانند اینها هم بودند- به یک مداح اهل‌بیت(ع) توجه می‌کنند، او را صدا می‌کنند و به او می‌گویند «ای ایران» بخوان، این «ای ایران» آقای محمود کریمی و این دستوری که حضرت آقا به ایشان دادند، می‌توانم عرض بکنم که بروز و ظهور ۵۰۰سال اتحاد دین و سیاست و عصاره اتحاد ایران و تشیع در قالب آن صحنه به‌یادماندنی است. ۵۰۰سال عشق‌ورزی به ایران و تشیع می‌تواند سرود «ای ایران خدایی»، «صحن امام رضایی» و «ایران عاشورایی» را خلق کند و واژه «ما ملت امام حسینیم» و «کل جمهوری اسلامی حرم است» را بر زبان شهید سلیمانی بزرگ جاری کند. متأسفانه بعضی دارند این‌طور القا می‌کنند که «بله، حالا که جنگ شد، شما دست از آن امت‌گرایی‌تان برداشتید، دوباره آمدید سراغ ملی‌گرایی»، نه، ما هیچ‌وقت بین امت‌گرایی و ملی‌گرایی‌مان تفاوت قائل نبوده‌ایم.

در انقلاب اسلامی، گام اول تمام تلاش ملت این بود که هویت اسلامی- ایرانی خود را احیا کند. بلافاصله هم با فتنه گروهک‌های تجزیه‌طلب در کشور مواجه شد که آحاد ملت رفتند و دفاع کردند، سپس جنگ تحمیلی پیش آمد که این جنگ، جنگ عراق علیه ما نبود، بلکه جنگ بیش از ۵۷ کشور علیه ایران بود، از اعراب مرتجع منطقه گرفته تا بلوک شرق و غرب که هر دو پشت عراق و رژیم بعثی بودند. این ملت و فرزندانش با آموزه‌های شیعی و آرمان‌هایی که حضرت امام احیا کرده بود، دوباره ایستادند و برای دفاع از ایران جانفشانی کردند

یادداشت

در کنار هم برای ایران عزیز

سخنرانی چهارشنبه رهبر معظم انقلاب اسلامی، نخستین سخنرانی عمومی ایشان درباره جنگ اخیر بود. معظم‌له در این سخنرانی به موضوعات و محورهای مهمی پرداختند که هرکدام از آنها نیازمند تأمل و تبیین است. شاید بتوان گفت برجسته‌ترین محور این بیانات، نقش برجسته مردم در این آزمون خطیر است؛ نقشی که رهبر معظم انقلاب از آن به عنوان «امر ملی» یاد کردند.

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR، در سرمقاله شماره ۲۵خود در این باره نوشته است: رهبر انقلاب با عبور از تفسیرهای صرفاً سازمانی، اطلاعاتی یا امنیتی، وجه اجتماعی- ملی مقاومت را به‌عنوان «نقطه بسیار مهم» مورد تأکید قرار دادند. تحلیل ایشان از چرایی ناکامی طرف مقابل، ناظر بر یک «خطای بنیادین در دستگاه محاسباتی دشمن» است: مفروض‌انگاری فروپاشی انسجام اجتماعی در ایران. راهبرد دشمن، مبتنی بر برآوردهایی بود که اختلاف سلیقه‌ها و نارضایتی را به یک نافرمانی فعال پس از ضربه نظامی پیوند می‌زد، اما برخلاف انتظار، آنچه در صحنه واقع رخ داد، تجلی ارتقابخش ظرفیت اجتماعی ایران و بازتولید اراده ملی در مقیاس کلان بود.

رهبر انقلاب این کنش اجتماعی را «کار بزرگ ملت» خواندند؛ کاری که از جنس عملیات نظامی نبود، بلکه از جنس عزم، اعتماد به نفس و همبستگی بود. به‌عبارت دیگر، ملت ایران در عرصه راهبردی، به‌عنوان «متغیر تعیین‌کننده» عمل کرد و مسیر جنگ را از طریق خلق قدرت نرم و هم‌افزای اجتماعی، به نفع ایران اسلامی تغییر داد.

براساس بیانات امروز، می‌توان گفت «انسجام ملی» به‌مثابه شاقول و معیار ارزیابی کنش‌ها در فضای عمومی است. به این ترتیب هر نوع موضع‌گیری، انتقاد، تحلیل یا بیان رسانه‌ای، باید در نسبت‌سنجی با این اصل مورد ارزیابی قرار گیرد. در این رهیافت، تقدم ملاحظات راهبردی و صیانت از ساختار همبستگی اجتماعی بر هرگونه بیان فردی یا جمعی- ولو با نیت خیر و صادقانه- یک ضرورت عقلانی و مبتنی بر منافع ملی تلقی می‌شود. این سخن بدین معناست که در لحظات تاریخی، باید بر اساس هندسه اهم و مهم و در چارچوب منطق اولویت‌های نظام، از بروز رفتارها و گفتمان‌های تضعیف‌گر انسجام ملی پرهیز نمود.

در حالی که دشمنان ایران و ایرانی دست به دست هم داده و از هیچ فریبکاری، خباثت، خیانت و جنایتی ابا ندارند، کنار گذاشتن اختلافات و تقویت اتحاد ملی در برابر دشمن و در دفاع از «ایران عزیز»، مهم‌ترین و راهبردی‌ترین کنش دفاعی است، همان نکته‌ای که رهبر انقلاب امروز بر آن تأکید بسیار کردند، «حرف من این است که این را حفظ کنید، همه این را نگه دارند، روزنامه‌نگار یک جور، قاضی یک جور، مسئول دولتی یک جور، روحانی یک جور، امام جمعه یک جور. هر کسی یک وظیفه‌ای دارد در قبال این حالت، این را نگه دارند. این با اختلاف سلیقه سیاسی منافات ندارد، با اختلاف وزن مذهبی منافات ندارد. این، در کنار هم ایستادن برای دفاع از یک حقیقت است، دفاع از کشور است، دفاع از نظام است، دفاع از ایران عزیز است.»

گزیده خبر

وزیر اطلاعات: در رژیم‌صهیونیستی نفوذ داریم

وزیر اطلاعات می‌گوید: نفوذ همیشه در کشور بوده و باز هم خواهد بود، همچنان که ما هم در کشورها و رژیم‌صهیونیستی نفوذ داریم.

به گزارش مهر، حجت‌الاسلام سیداسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات در گفت‌وگویی درباره دستاوردهای وزارت اطلاعات از نفوذ عوامل بیگانه در رده‌های بالا گفت: نفوذ همیشه در کشور بوده و باز هم خواهد بود، همچنان که ما هم در کشورها و رژیم‌صهیونیستی نفوذ داریم. او در واکنش به اینکه وزارت اطلاعات به موردی از نفوذ در رده‌های بالا برخورد کرده است؟ افزود: آنچه در مورد نفوذ وجود دارد، دستگاه قضایی آن را اعلام می‌کند. هر موردی که نیروهای مسلح، فراجا، وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه اقدام می‌کنند، از سوی قوه قضائیه به جزای خود می‌رسند. آنچه در اخبار و اطلاعات اعلام می‌شود، مستند است نه آنچه احیاناً فکر می‌کنیم و آن را به صورت غیرواقعی روایت می‌کنند یا اینکه خبر جعلی است.

خطیب در پاسخ به اینکه آیا وزارت اطلاعات در جریان شناخت شکاف‌های نفوذ در رده‌های بالا به دستاوردی رسیده است؟ خاطرنشان کرد: دستاوردها اعلام می‌شوند.

هشدار رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس

واکنش ایران به «اسنپ بک» شاید برای اروپا غیرقابل تحمل باشد

اسنپ بک رفتاری خصمانه است، بنابراین هشدار می‌دهیم که در صورت اجرا و فعال کردن آن، حتماً اقدامات متقابلی از سوی ما انجام خواهد گرفت.

ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگو با خانه‌ملت، در واکنش به توافق وزیر خارجه امریکا با وزرای خارجه فرانسه، آلمان و انگلیس درباره فعال کردن مکانیسم ماشه و فرایند بازگرداندن تحریم‌ها گفت: این یک موضوع سیاسی با اهداف خصمانه است، ما بارها اعلام کرده‌ایم این موضوع را فشار علیه کشورمان تلقی نمی‌کنیم بلکه رفتاری خصمانه علیه ایران اسلامی است و بدون شک ایران اسلامی گزینه‌های متعددی دارد که هرزمان لازم باشد در مقابل اقدامات طرف مقابل به اجرا می‌گذارد.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: اروپایی‌ها نباید تصور کنند که با فعال کردن مکانیسم ماشه می‌توانند به اراده و آرمان بلند ملت ایران خدشه‌ای وارد کنند.

وی افزود: ما معتقدیم مکانیسم ماشه یک رفتار خصمانه است و اصرار داریم غربی‌ها باید از این اقدام پرهیز کنند، همچنین هشدار می‌دهیم در صورتی که این اقدام انجام شود، حتماً اقدامات متقابلی از سوی ما صورت خواهد گرفت که شاید برخی اقدامات برای اروپایی‌ها غیرقابل تحمل باشد. این نماینده مجلس در دوره دوازدهم اضافه کرد: ما هر اقدامی را بموقع و متناسب با شرایط انجام خواهیم داد و این اقدامات، هوشمندانه و با درک همه‌جانبه دولت و مجلس شورای اسلامی خواهد بود.